

تاریخ و تمدن / اسلامی، سال اول، شماره دوم، پائیز و زمستان ۸۴، ص ۱۱۳-۱۴۹

تحولات فلسفی - کلامی دوره حفصی^۱

محمد رضا پاک

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

چکیده

مهاجرت فلاسفه و متکلمان از شهرهای در حال سقوط آندلس به افریقه دوره حفصی با ورود اندیشه‌های کلامی امام‌المکلمین فخر رازی از مصر به افریقه همزمان شد. در این برخورد اندیشه‌ها حاکمیت با متکلمان مالکی بود که سنت سلف را تأیید و برقرار می‌ساختند. تفوق کلام بر فلسفه در سراسر دوره حفصی در غالب مدارس متعدد کلامی برقرار ماند. تلفیق فلسفه و کلام، فلسفه و تصوف و پیدایش تصوف فلسفی از پدیده‌های خاص دوره حفصی بود. رویکرد جدید ابن خلدون در تاریخ و ظهور شخصیت جهانی ابن سبعین، دوره حفصی را به عنوان مرحله‌ای اساسی در تاریخ فلسفه اسلامی، مطرح ساخت. غلبه مسلمانان در برخورد کلامی و گفتگوی عالمانه با مسیحیت، حاکی از حیات و پویایی و غلبه فلسفه اسلامی بعد از ابن رشد است. رواج جدل از پدیده‌های رایج عصر حفصی بود که به ویژه خود را در کلام خوارج اباضی مذهب افریقه نشان داد.

کلیدواژه‌ها: فلسفه اسلامی، کلام، تصوف فلسفی، ابن سبعین، ابن خلدون، فخر رازی.

مقدمه

جریان‌شناسی کلام و فلسفه اسلامی با وجود ارائه تعریف مشخصی از کلام و فلسفه حجم عظیمی از تحقیقات خود را به ارتباط این دو اختصاص داده است. اصطلاح کلام در

۱. این مقاله بخشی از رساله دکتری نگارنده است که با عنوان «فرهنگ و تمدن اسلامی در دوره حفصی در افریقه» و به راهنمایی دکتر هادی عالم‌زاده و دکتر حسین قرچانلو در واحد علوم و تحقیقات تهران، تدوین و دفاع شده است.

آغاز بدون هیچ قیدی بر نظام اعتقادی اسلام^۱ پیش از فلسفه اطلاق شد و نمایندگان آن در برابر کسانی قرار گرفتند که با کندی (د ۲۱۰هـ/ ۸۷۳م) پدید آمدند.^۲ این عقاید تحت نفوذ سلف^۳ قرار داشت.^۴ متکلمین معتزله به تدریج جریانی ضعیف از عقلگرایی و فلسفه را در مقابل اهل سنت پدید آوردند. آن‌ها پیش از واصل (د. ۱۳۱ق/ ۷۳۸م) مجموعه ای سیاسی بودند^۵ که در مسئله اختلاف بین علی(ع) و معاویه در مقابل امویان و در کنار معتدلین شیعه قرار گرفتند و به تدریج عقیده رسمی نهضت عباسیان شدند. به دنبال تأسیس دولت عباسی و پایان اتحاد مصلحتی شیعه امامی با آن‌ها، معتزله بصره عباسیان را انکار کردند؛ اما معتزله بغداد هم‌پیمان با شیعیان معتدل جریان اعتزال را در مرکز خلافت استمرار بخشیدند.^۶ نظام فکری معتزله از نوعی فلسفه طبیعی که در مقابل فلسفه هلنیستی بود، بهره می‌گرفت.^۷

جریانی^۸ مستقل از عقلگرایی تشیع^۹ منجر به شکل‌گیری حوزه کلام شیعی در نیمه قرن دوم شد. پیدایش اسماعیلیه و رواج تشیع در قرن سوم هجری اوج عقلگرایی تشیع و معتزله بود که با منع رسمی خلیفه عباسی متوکل در بغداد متوقف شد.^{۱۰}

۱. اساسی‌ترین جریان در این نظام که آغاز غیر رسمی کلام محسوب می‌شد و در بستر نزاع سیاسی به دنبال مخالفت خوارج با اندیشه خلافت سنی و امامت شیعی بوجود آمد و بزودی جای خود را به بحث پیرامون قدر داد که تا نیمه قرن دوم هجری حجم انبوهی از کتب اعتقادی را به خود اختصاص داد. ر.ک: سرگین، ۲/۴.

۲. صفا، ۲.

۳. اصطلاح متکلمین بر اهل سنت، (سلف) در مقابل شیعه اطلاق شد، از حسن بصری (د. ۱۱۰ق)، ابن کلاب و چند تن دیگر به عنوان متکلمان سلف یاد شده است. ر.ک: سرگین، ۲۷/۴-۲۸.

۴. مسلمانان راست اعتقاد، ارتودوکس، Orthodox، ر.ک: سرگین، ۲۸/۴؛ ولفسن، ۳.

۵. بنابه روایتی واصل بنیانگذار مکتب اعتزال بود. ر.ک: سرگین، ۱۸/۴.

۶. سرگین، ۵۹/۴.

۷. سرگین، ۶۱/۴-۶۶؛ مدکور، ۱۰۷/۲.

۸. هشام بن حکم (د. ۱۹۰ق) از شاگردان حلقه درسی امام صادق (ع) از بنیانگذاران و مروجین این جریان بود.

۹. جریان کلام شیعی در مکتب تندرو قم در آثار صدوق و معتدل بغداد با مفید و مرتضی دنبال شد و نهایت تکامل خود را در آثار حلی و خواجه نصیرالدین طوسی در قرن هفتم بدست آورد.

۱۰. صفا، ۱۳۲.

با این وصف جریان کلام و فلسفه در نخستین مرحله از کلام غیر معتزلی غیر فلسفی عبور کرد^۱ و با ظهور معتزله به کلام معتزلی غیر فلسفی رسید.^۲ ترجمه آثار یونانی، کلام معتزلی فلسفی را پدید آورد^۳ و جریانی از فلسفه و عقلگرایی را کندی و فارابی و ابن سینا رایج ساختند که در ایران با مخالفت^۴ دولت غزنوی و سلجوقی^۵ روبرو شد.^۶ ظهور اشعری (د. ۳۲۴ق) در آغاز قرن چهارم نقطه عطفی در شکل‌گیری گسترده کلام اسلامی در جهان اسلام شد که از او به عنوان مؤسس علم کلام یاد کرده‌اند.^۷ غزالی (د. ۵۰۵ق) و سپس رازی با نفی نگرش فلاسفه و پذیرش روش‌های آنان وارد^۸ مرحله‌ای اساسی در فلسفی کردن کلام شدند و لذا از این دو با عنوان فیلسوف و متکلم یاد کردند^۹ و توفیق بین عقل و دین مهمترین مسئله در حوزه تفکر اسلامی شد.

ابن خلدون کارگزار بلندپایه دولت حفصی به شیوه عقلی، کلام و فلسفه در جهان اسلام از آغاز تا عصر خودش را در بخش مستقلی از مقدمه بررسی کرده است. او کار غزالی را حد فاصل بین متقدمین و متأخرین دانسته است. به گفته او به علت التباس مسائل کلام و فلسفه تشخیص دو علم از هم ممکن نیست.^{۱۰}

۱. ولفسن، ۳۲.

۲. همو، ۳۵.

۳. ابن خلدون، مقدمه، ۸۹۲.

۴. خلافت عباسی و این دو دولت زمینه سیاسی مناسب جهت پیشرفت مذهب اشاعره و ماتریدیه را فراهم ساختند و شخصیت‌هایی چون باقلانی (د. ۴۰۳ق)، جوینی (د. ۴۷۸ق)، غزالی، بغدادی (د. ۴۲۹ق)، شهرستانی (د. ۵۴۸ق) کلام اشعری و ابومنصور الماتریدی و نسفی (د. ۵۳۷ق) کلام ماتریدیه را در قرون چهارم، پنجم و ششم هجری توسعه دادند.

۵. صفا، ۱۳۶، ۱۳۹.

۶. همو، ۸۹۳.

۷. سزگین، ۳۵/۴.

۸. ابن خلدون، مقدمه، ۸۹۲.

۹. پیشتر از نظام (۲۲۰هـ/۸۳۵م) به عنوان متکلم و فیلسوف یاد شده است. ر.ک: سزگین، ۶۸/۴.

۱۰. ابن خلدون، مقدمه، ۸۳۷.

جریان عقلگرایی و تلفیق فلسفه و کلام در ایران به وسیله فیلسوف خواجه نصیرالدین طوسی (د. ۶۷۲ ق) دنبال شد و او متنی معتبر در علم کلام ارائه داد. ابن خلدون از او به عنوان امام المتکلمین یاد کرده است.

فلسفه و کلام در افریقیه تا ظهور حفصیان

فلسفه نخستین بار توسط پزشک فیلسوف، اسحق بن عمران (د. ۲۷۹ ق) وارد بلاد غرب اسلامی شد.^۱ در بدو ورود این اندیشه علمای مالکی قیروان در برابر آن مقاومت کردند. فقهاء و علمای مذهب مالک همواره از مانعین اندیشه‌های فلسفی در افریقیه بودند. با این حال در دوره اغلی (۱۸۴ - ۲۹۶ ق) با وجود مخالفت شدید آن‌ها با فلسفه بزرگانی در دانش فلسفه و کلام ظهور کردند.^۲ سراسر سلطه فاطمیان (۲۹۷ - ۳۶۲ ق) بر افریقیه با وجود حمایت گسترده دولت فاطمی از فلسفه به دلیل مقاومت متکلمین مالکی فلسفه در افریقیه جایی پیدا نکرد^۳ و با قدرت گرفتن تسنن در عصر زیربان اندیشه‌های کلامی تسنن بار دیگر قوت گرفت.

در آغاز دوره زیربان (۳۶۲ - ۵۴۳ ق) کلام اشعری فراگیر شد. علت توسعه اندیشه اشعری در افریقیه این بود که مالکیه آن را حلقه اتصال و حد وسط مناسبی بین مذهب سنی و اندیشه معتزلی می‌پنداشتند. توسعه فکر اشعری در بین مالکیه افریقیه به حدی رسید که در این دوره حتی ابوالحسن اشعری را از مالکی‌ها شمردند^۴ و ارتباط مستحکمی بین علمای مالکی افریقیه با مالکیه بغداد برقرار شد.^۵ حتی خوارج اباضی (از جمله خوارج وهبی) افریقیه بیشتر مذهب اشاعره را اختیار کردند و لذا آن‌ها را اشاعره

۱. حسنی عبدالوهاب، العمر، ۳۸/۱؛ حسنی عبدالوهاب، ورقات، ۲۷/۱، ۲۸.

۲. ابوبکر قمودی مشهور به فیلسوف و ابن حذاد غسانی در اوائل قرن ۴ هـ، ر.ک: حسنی عبدالوهاب، العمر، ۳۷/۱؛ محفوظ، ۱۰۶/۲ - ۱۰۷.

۳. تلیسی، ۴۶۸.

۴. ادیس، ۳۱۵/۲.

۵. ادیس، ۳۱۰/۲، ۳۱۵.

می‌گفتند.^۱ چنانکه در بحث مسائل کلامی در عصر حفصی می‌آید ویژگی عصر حفصی (۶۲۵ ق - ۹۸۳ ق) تلفیق^۲ کلام و فلسفه بود لذا تحولات اندیشه در عصر حفصی چون گذشته افریقیه^۳ تحولات کلامی - فلسفی است.

ظهور حفصیان در افریقیه با تحول بزرگ و وسیعی در عرصه اندیشه‌های فلسفی، کلامی همزمان شد. در این دوره شاهد پیدایش مدارس جدید و متنوع فکری در عرصه فلسفه و کلام هستیم. از نکات جالب توجه فعالیت گسترده این مدارس فکری در کنار یکدیگر است. علی‌رغم ادعای مورخان غربی از جمله لویی ماسینیون^۴ مبنی بر پایان فلسفه اسلامی^۵ با مرگ ابن‌رشد (۵۹۵ ق)؛ تحولات فلسفی و کلامی دوره حفصی حاکی از رشد فلسفه اسلامی بعد از ابن‌رشد است.

پراکندگی جغرافیایی اندیشه‌های کلامی و فلسفی در دوره حفصی

آغاز دولت حفصی به سال ۶۲۵ ق با سقوط آندلس و مهاجرت انبوه مسلمانان آندلسی به افریقیه هم‌زمان شد. دولت حفصی خود را وارث حقیقی موحدین داعیه‌دار توحید می‌دانست. موحدین پیروان خود را متکلمین می‌نامیدند.

پراکندگی جمعیتی در سرزمین افریقیه از طرابلس الغرب تا جزایر بنی‌مزغنه به شکلی بود که آراء و مدارس فلسفی و کلامی شرق جهان اسلام در نقاط مختلف آن منتشر شدند.

اباضیه در جزیره جربه و طرابلس الغرب، زندگی می‌کردند. تونس پایتخت دولت حفصی محل مهاجرت متکلمان سلفی‌گرای مشهور آندلس بود. مهدیه و قیروان،

۱. /دریس، ۳۲۰/۲.

۲. ارنانداس، «اندیشه اسلامی در شبه جزیره ایبری»، میراث اسپانیای مسلمان، ۳۳۰/۲.

۳. حرکات، ۳۹۹/۲.

۴. ماسینیون، ۱۸۱.

۵. پس از ابن‌رشد بساط اندیشه فلسفی در سرزمین‌های غربی دنیای اسلام برچیده شد. ر.ک: ارنانداس، همان.

میراث اسپانیای مسلمان، ۳۳۰/۲.

متکلمین به شیوه متقدمان را در خود جا داده بود. بجایه در غرب سرزمین حفصی منطقه رواج اندیشه‌های فلسفی بود. جبر مهاجرت، دست روزگار و نیرومندی خلافت حفصی مدارس متعدد اندیشه را در افریقيه جمع کرده بود. برخورد این مدارس، حذف شخصیت‌های بزرگ تصوف، فلسفه و کلام از افریقيه را به دنبال داشت.

ابن عربی، ابن سبعین، امام شاذلی، ابن خلدون افریقيه را ترک کردند و اندیشه‌های آن‌ها در مصر و شام ... پراکنده شد و سلفی‌گری و کلام اهل سنت در پایتخت دولت حفصی حاکم شد.

علم کلام و دولت حفصی

حفصیان زمانی قدرت را به دست گرفتند که قرن هفتم هجری با چالش‌های بزرگ در عرصه فلسفه و کلام مواجه شده بود. به علت همین حوادث بزرگ فلسفی - کلامی می‌توان قرن هفتم را قرن فلسفه و کلام نامید. به طور کلی دوره حفصی دوره رشد مباحث کلامی است. در طول حکومت ۴۰۰ ساله حفصیان متکلمین بزرگی ظهور کردند. آثار آن‌ها حاکی از حیات تفکر کلامی است. سکونی^۱ و ابن سبعین در قرن هفتم؛ ابن خلدون در قرن هشتم و نهم، ابی (د. ۸۲۸ ق) و ابن عرفه^۲ در قرن نهم و شابی (د. ۹۴۸ ق) در قرن دهم قمری قابل ذکر است؛ اما برخی از محققان قرن هشتم معاصر حفصیان را دوره سقوط فلسفه اسلامی دانسته‌اند.

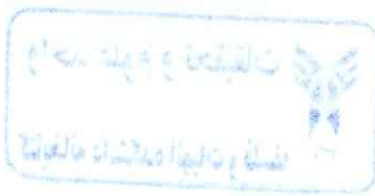
ماسینیون، تاریخ فلسفه اسلامی را به سه دوره،^۳ تقسیم کرده و قرن هشتم را مرحله سوم فلسفه اسلامی و آن را قرن انهدام فلسفه و کلام اسلامی دانسته است.^۴ دیدگاه این خاورشناس را در مورد افریقيه دوره حفصی بررسی می‌کنیم. در نگاه نخست دلائلی برای

۱. عمر بن محمد سکونی متوفی تونس صاحب کتاب *لحن العوام المطلق مما يتعلق بعلم الکلام و المنطق*. ر.ک: حرکات، ۳۹۶/۲.

۲. صاحب *المختصر الشامل فی علم الکلام*، ر.ک: حرکات، ۳۹۷/۲.

۳. ماسینیون، ۱۸۱.

۴. همو، ۱۸۲.



صحت حرف ماسینیون می‌توان ذکر کرد. این دلایل به ترتیب زیر است:

۱. دیدگاه ابن خلدون، در مورد علم کلام در قرن هشتم هجری را می‌توان مستندی بر حرف ماسینیون به حساب آورد. ابن خلدون می‌نویسد: به دلیل از بین رفتن فرق ملحد و مبتدعه در افریقیه نیاز به متکلمین نیست.^۱
۲. در افریقیه منطق مورد انکار قرار گرفت.^۲ این برخورد علمای افریقیه باعث شد در متون آموزشی علم منطق تغییراتی به عمل آید و در تعلیم منطق به موضوعاتی بسنده شد که مفید به حال جدل بود.^۳
۳. بین کلام و تصوف و بین فلسفه و تصوف نوعی جمع و تلفیق حاصل شد.^۴ فلسفه و کلام^۵ در بند تصوف گرفتار شد.^۶
۴. فرار دو شخصیت بزرگ فلسفه و کلام اسلامی (ابن سبعین و محی‌الدین عربی) از افریقیه.
۵. مخالفت با معتزله و اندیشه‌های آن‌ها در افریقیه رواج پیدا کرد و جزو ادبیات دوره حفصی شد. ابن خلدون اعتقادات معتزله در باب صفات را کفر صریح دانسته^۷ و آن‌ها را بدعت‌گزاران در علم کلام معرفی کرده است.^۸ عبدری نمونه‌ای از یک قصیده ادبی که حاکی از وسعت مبارزه با اندیشه اعتزال در افریقیه است را در سفرنامه خود آورده است.

۱. ابن خلدون، ۸۳۷.

۲. همو، ۹۱۳، ۹۱۵.

۳. همو، ۹۱۲.

۴. مدکور، ۵۷.

۵. محفوظ، ۱۲۳/۳.

۶. ابن خلدون، ۹۲۲.

۷. ابن خلدون، مقدمه، ۸۵۷، ۸۵۶.

۸. همو، ۸۳۲.

نقض نظر ماسینیون

تعبیر ماسینیون در مورد «انهدام فلسفه و کلام اسلامی» بعد از ابن رشد، از صحت و دقت برخوردار نیست.^۱ چون در دوره حکومت حفصیان شخصیت‌های بزرگی در علم کلام و فلسفه پدید آمدند و مباحث کلامی در مراکز آموزشی آن‌ها دایر بود و آثار متنوع کلامی از دوره حفصی به جا مانده است. قضاوت ابن خلدون نیز در مورد کلام دچار تناقض است. او چهره شاخص قرن هشتم هجری، کارگزار بلندپایه دولت حفصی در مقام نقد اندیشه‌های کلامی و فلسفی معتزله و شیعه ظاهر شد.^۲ او اعتقادات معتزله و شیعه را بدعت شمرده^۳ و اعتقاد امامیه در باب امام را تکذیب و آن‌ها را کافر و خارج از چهارچوب اعتقادات اسلامی دانسته است.^۴ از جمله آثار ابن خلدون در کلام کتاب *لباب‌المحصل* است. این کتاب، تلخیص محصل فخررازی همراه با شرح خواجه نصیرالدین طوسی است. ابن خلدون در این کار تحقیقی خود در موارد متعدد از حواشی عالمانه خواجه نصیرالدین طوسی تمجید کرده و از او با عنوان امام کبیر خواجه نصیرالدین طوسی نام برده است.^۵ نسخه خطی این کتاب در کتابخانه اسکوریال اسپانیا موجود است.^۶

ابن خلدون تقریری از اندیشه‌های سلف در باب صفات خداوند و توحید ارائه کرده و چهره‌ای از کلام ناب اشعری ارائه داده است. هرگونه عقلگرایی در مسئله توحید و

۱. از جمله موارد نقض نظر ماسینیون در شرق، کار کلامی و فلسفی خواجه نصیر و استمرار فلسفه و کلام اسلامی در مکتب اصفهان و شیراز است.

۲. از جمله مباحث کلامی رایج در عصر حفصی ردیه‌نویسی بود یکی از ردیه‌ها بر علیه شیعه کتاب *المناظرة و المعارضة فی الرد علی الرافضة* از ابن فارس عبدالله البرنوسی التازی (د. ۸۹۴ق) بود که نسخه خطی آن در پاریس موجود است. (حرکات، ۴۰۱/۲).

۳. ابن خلدون، مقدمه، ۸۳۴.

۴. همو، ۸۲۲.

۵. محفوظ، ۲۲۰/۲.

۶. همانجا.

شناخت صفات را محکوم کرده و سمع را در این مسائل بر عقل مقدم شمرده است.^۱ او مذهب مالک را معیار مطالعه صفات خداوند دانسته و تعریفی از توحید موافق مذهب مالک ارائه نموده است:^۲

«... التوحید هو العجز عن ادراك الاسباب و کیفیات تأثیراتها و تفویض ذلک الی خالقها المحیط...»

او سپس تعریفی از علم کلام ارائه داده و جایگاه علم کلام در حوزه علوم اسلامی را مشخص نموده است. به گفته او: «کلام علمی است که مسؤل دفاع از عقاید ایمانی با ادله عقلی و رد اعتقادات مبتدعین و منحرفین از مذهب سلف و اهل سنت است و سرّ عقاید ایمانی توحید است.»

بازگشت سلفیه

از نکات جالب توجه در تعریف ابن خلدون از علم کلام وجود سه عنصر اساسی در آن است که هر سه از شاخصه‌های بارز کلام دولتی در عصر مرابطین و موحدین است.^۳ این سه ویژگی عبارت است از:

۱. دفاع از تسنن ناب و دعوت به سلفی‌گری.
 ۲. تأکید بر توحید. در دوره موحدین اساس آموزش کلامی بر توحید بود و علم کلام، علم توحید نامیده می‌شد.^۴ کتاب توحید نوشته ابن تومرت در مدارس و مراکز آموزشی حفصی به عنوان متن اصلی کلام تدریس می‌شد.^۵
 ۳. نقد و رد مبانی تشیع که سنتی معهود در آفریقیه بود.
- با توجه به حاکمیت سه ویژگی یاد شده بر فضای فرهنگی آموزش دوره حفصیان،

۱. همو، ۸۵۵.

۲. ابن خلدون، مقدمه، ۸۲۵.

۳. پاک، «تحول اندیشه‌های کلامی و فلسفی...»، تاریخ اسلام، ش ۱۲، صص ۴۱-۴۲.

۴. ابن خلدون، مقدمه، ۸۳۱.

۵. غیرینی، ۳۰۴. ابن تومرت خود را حامی توحید می‌نامید و کتابی به نام توحید نوشت.

می‌توان دوره حفصی را از حیث کلامی به نوعی بازگشت به دوره مرابطین دانست. دوره مرابطین عصر حاکمیت فقه مالکی بر همه عرصه‌های اندیشه و سلطه صدرصد فقهای مالکی بود.^۱ ویژگی کلامی عصر مرابطین تعصب بر اندیشه‌های سلف بود.

در آغاز قرن هفتم موجی از سلفی‌گری در غرب اسلامی به ویژه در افریقایه بروز کرد. مقارن با آن مصر و شام اندیشه‌های یکی از بزرگترین پرچمداران سلفی‌گری در قرن هفتم و هشتم یعنی، ابن تیمیه را تجربه می‌کرد. قطب‌الدین قسطلانی، ابن تیمیه (د. ۷۲۸ق)، ابن قیم جوزیه (د. ۷۵۰ق)، ایجی (د. ۷۵۶ق)، ابن خلدون (د. ۸۰۸ق)،^۲ سکونی (د. ۶۵۲ق) از بزرگان سلفیه در طی قرن هفتم و هشتم و نهم در عرصه فرهنگی مصر، شام، افریقایه ظاهر شدند.

در این بین اندیشه‌های ابن تیمیه چون موجی فراگیر بود. ابن تیمیه همه آراء معاصر و پیش از خود را باطل اعلام کرده و با همه شخصیت‌های عصر خویش به نزاع برخاسته بود. افریقایه در عرصه‌های مختلف دانش تحت نفوذ مصر بود. در عرصه کلام؛ مخالفت قطب‌الدین قسطلانی و ابن تیمیه با جریان فکری ابن سبعین از مظاهر این نفوذ است. سکونی، ابن تیمیه و قطب‌الدین قسطلانی؛ ابن سبعین را کافر خواندند و اجازه رواج اندیشه‌های ابن سبعین در افریقایه، شام و مصر را ندادند.

فلسفه محض

فلسفه محض در افریقایه به طور رسمی و در محافل عمومی، مدارس و جوامع با ممنوعیت و عدم استقبال از سوی علما و فقهای دوره حفصی مواجه شد.^۳ با این وجود فلسفه به عنوان ابزاری در بین مجموعه‌ای از علوم مطرح بود و از فلسفه به عنوان یکی از اجزاء علوم عقلی یاد می‌شد.

۱. پاک، همان، ۴۲.

۲. محفوظ، ۱۴۷/۳.

۳. عبدری، ۷۴، ۲۸۴، ۷۵.

در متون حفصی از علمای علوم عقلی با عناوین مختلفی چون: «او از اهل معقول و صاحب اندیشه در اصلین بود^۱ و یا صاحب نظر در معقول حکمی، یاد شده است.^۲ ابن خلدون از ابوالعباس احمد بن شعیب به عنوان متخصص در علوم عقلی و فلسفه نام برده او همراه هیئت دانشمندان سلطان ابوالحسن مرینی در افریقیه مستقر و به تعلیم علوم عقلی مشغول شد.^۳ غبرینی در مورد قرشی می‌نویسد: او دائم در حال نظر در معقولات بود.^۴ ابن خلدون می‌نویسد: من علوم^۵ عقلی و منطق و «اصلین» و علوم‌الحکمه را نزد «آبلی» خواندم.^۶

نوعی سنت عقلی در دوره حفصی حاکم شد که نگرش مستقل به علم منطق؛ تلفیق کلام و فلسفه؛ تسری علوم عقلی به حوزه فقه،^۷ ادبیات و نحو از ویژگیهای این سنت است که - در عقلگرایی ابن رشد و فخر رازی ریشه داشت.^۸ با این وصف می‌توان گفت: عقلگرایی دوره حفصی برآیند سنت عقلی ابن رشد و سنت عقلی فخر رازی بود. برخورد این دو نوع عقلگرایی در افریقیه ممکن شد. شیوه‌های عقلگرایی ابن رشد را مهاجران آندلسی با خود آوردند و شیوه عقلگرایی فخر رازی را دانشمندان تونس‌سی چون ابن زیتون (که دو بار به شرق سفر کرد و نزد شاگردان فخر رازی تلمذ کرد) به افریقیه آوردند.^۹ در این برخورد غلبه با عقلگرایی رازی بود.

۱. کان معقولیاً و له معرفة بالاصلین (غبرینی، ۴۶۰).

۲. همو، ۲۱۰.

۳. ابن خلدون، *الرحله*، ۹۲.

۴. غبرینی، ۳۶.

۵. منظور از علوم عقلی در دیدگاه ابن خلدون و دیدگاه رایج در دوره حفصی علوم فلسفی و حکمی است که شامل ۴ علم بود: (۱) منطق، ۲. علوم طبیعی، ۳. علم الهی، ۴. علم ناظر بر مقادیر شامل هندسه، اریتماتیکی، موسیقی و تعالیم). ر.ک: ابن خلدون، مقدمه، ۸۸۰، ۸۹۰.

۶. همو، ۶۷، ۶۸، ۸۳.

۷. عون، ۴۰، ۳۶۹، ۳۷۴.

۸. رواج علم خلاف و جدل در شکلی که فخر رازی تدوین کرد باعث پیدایش شیوه جدیدی در بیان احکام فقه شد. این شیوه به کار بردن قواعد عقلی در فقه بود. ر.ک: ابن خطیب قسنطینی، *الفارسیه*، ۳۰.

۹. عون، ۴۰.

ابن خلدون^۱ علوم عقلی در غرب اسلامی بویژه در افریقایه را در حال رکود و اوضاع علوم عقلی و فلسفه در ایران، ماوراءالنهر و بلاد فرنگ را رو به رشد دانسته و از شکوفائی علوم عقلی در مصر سخن گفته است.^۲ ابن خلدون دیدگاه حقیقی خود نسبت به فلسفه را در مقدمه ذکر کرده و بخشی را به فلسفه اختصاص داده^۳ و آن را باعث ضرر به دین معرفی کرده و دلایل بطلان فلسفه را ذکر کرده است.^۴ او در نقد فلسفه، متأثر از غزالی است.^۵

مصر دوره ممالیک معاصر حفصی‌ها، پذیرای بسیاری از علمای تونس بود که در درس شمس‌الدین اصفهانی،^۶ (د. ۷۴۹ ق) شیخ عقلیات در مصر^۷ تلمذ می‌کردند.^۸ عبدالحمید خسرو شاهی تبریزی یکی دیگر از بزرگان عقلیات بود که بسیاری از تونس‌ها نزد او در مصر تلمذ می‌کردند. این هر دو از شاگردان فخر رازی و صاحب سنت علمی بودند. شفاء ابن سینا،^۹ تلاخیص ارسطو از ابن رشد، نجات ابن سینا،^{۱۰} الاشارات و التنبیهاات ابن سینا^{۱۱} و... از متون درسی فلسفه در دوره حفصی بود.

-
۱. ابن خلدون در تونس نزد ابلی فلسفه و ریاضیات خواند. رک: مديوني، ۲۱۵، ۲۱۴؛ ابن شماع، ۱۲۳. مديوني از ابلی به عنوان اعلم خلق خدا در فتون معقول نام برده است.
 ۲. ابن خلدون، مقدمه، ۸۹۴، ۸۳۹.
 ۳. فی ابطال الفللسفه و فساد منتحلها.
 ۴. ابن خلدون، مقدمه، ۹۹۴، ۹۹۵.
 ۵. همو، ۱۰۰۱.
 ۶. محفوظ، ۳۳۱/۲.
 ۷. همانجا.
 ۸. ابن خطیب قسنطینی، الفارسیه، ۴۳.
 ۹. ابن خلدون از سکونی مهاجر آندلسی به عنوان شیخ متکلمین در اشبیلیه و تونس یاد کرده است. رک: ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ۶۳۵/۶.
 ۱۰. ابن خلدون، رحله، ۱۰۵.
 ۱۱. غیرینی، ۱۴۵، ۲۲۷، ۲۲۸.

مدارس اندیشه فلسفی و کلامی در افریقیه دوره حفصی

توجه به افکار و آراء متنوع متکلمین در آثار علمای دوره حفصی مشهود است و بحث‌های کلامی در افریقیه مورد توجه محافل علمی بود. ورود علمای مهاجر آندلسی به شهرهای افریقیه و کثرت مسافرت‌های علمی علمای افریقیه به شرق، این منطقه را محل تلاقی و تضارب آراء کلامی و فلسفی شرقی و اندیشه‌های علمای آندلس ساخت.^۱ از جمله متکلمین بزرگ افریقیه ابی (د. ۸۲۸ ق) است که از او با عنوان متکلم مدقق و عالم معقولات یاد کرده‌اند.^۲ آراء کلامی او حاکی از حیات اندیشه‌های کلامی در افریقیه و نشان تحولی در این علم در آثار او است. او در اثر گرانسنگ خود متعرض مدارس مختلف کلامی رایج در شرق و آندلس اعم از تشیع، تسنن و معتزله و اشاعره و... شده و آن‌ها را نقد کرده و در برخی موارد رأی خاص خود را ذکر کرده است.^۳ جلسات متعددی از مناظرات کلامی در حضور بزرگان حفصی برگزار می‌شد. از جمله مناظره بین متکلمین مغرب و افریقیه در کاخ سلطنتی تونس در حضور سلطان ابی‌الحسن مرینی هنگام اشغال تونس در ۷۴۸ ق است.^۴ از نشانه‌های آشکار عنایت به اندیشه‌های کلامی این که از اکثر کسانی که در مشاغل مهم^۵ دولتی از جمله مقامات عالی قضائی مشغول به کار بودند^۶ با عنوان متکلم یاد شده است. عالم متکلم ابی نیز به سال ۸۰۸ ق قاضی شهر الجزیره القبلیه بود.^۷

با این وصف پهنه فرهنگی افریقیه در دوران حکومت حفصیان شاهد مدارس متنوع اندیشه‌های فلسفی و کلامی بود که در چهارچوب آراء بزرگان فلسفه و کلام ارائه می‌شد. مهمترین مدارس مهم کلامی - فلسفی رایج در افریقیه دوره حفصی عبارتند از:

۱. حرکات، ۳۵۶/۲.

۲. عون، ۱۱۹.

۳. همو، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹.

۴. همو، ۳۵۱.

۵. همو، ۷۲.

۶. محفوظ، ۳۰۹/۲؛ عون، ۲۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲.

۷. عون، ۷۱، ۱۲۸.

۱. مدرسه قیروانیین

بنیانگذار این مدرسه سحنون (د. ۲۵۱ق) از فقهاء و متکلمین مشهور افریقيه است. ویژگی اساسی این مدرسه اعتماد بر نص بود. در منابع دوره حفصی به طور مکرر از این مدرسه با عنوان طریقه اقدمیین یاد شده،^۱ منظور از شیوه اقدمیین، مدرسه قیروانیها است. از ابوعلی عمر بن مالک المرساوی از علمای قرن هفتم هجری به عنوان «اعلم» اهل زمان خود به علم کلام یاد کرده‌اند که جزئیات و دقائق این علم را مورد تحقیق و بررسی گسترده قرار داد. غبرینی می‌نویسد: طریقه مرساوی در کلام، طریقه اقدمیین بود. غبرینی از ابی‌المعالی، عبدالملک بن عبدالله بن یوسف جوینی (امام‌الحرمین) (د. ۴۷۸ق) و ابی بکر بن طیب به عنوان پیشوایان شیوه اقدمیین نام برده است.^۲

مذهب قرویین در کلام بر اساس نظریات ابوالمعالی (جوینی) و ابوحامد غزالی استوار بود. کتب این دو چنانکه می‌آید چند قرن بویژه در دوره حفصی از منابع اصلی درسی در افریقيه بوده است. تیجانی در قرن ۸ هجری در طرابلس ضمن ملاقات با علمای آنجا می‌گوید: آنان مقید بودند و اصرار داشتند که در کلام به مذهب و طریقه قرویین باقی بمانند و در اصول دین و فقه و... بر مذهب جوینی و غزالی بودند.^۳

۲. اندیشه‌های ابن سینا در افریقيه

نام ابن سینا در افریقيه، در کنار کتاب او *الاشارات و التنبیهات* که قرن‌ها کتاب درسی در افریقيه بود، ماندگار شد. این کتاب در تونس، بجایه از جمله مهم‌ترین کتب درسی بود. احمد بن خالد مالقی (د. ۶۶۰ق) از جمله کسانی است که به کثرت تدریس، *الاشارات و التنبیهات* ابن سینا در بجایه، معروف بود.^۴ غبرینی می‌نویسد: یکی از دوستان نزدیک

۱. غبرینی، ۱۱۰، ۲۲۶، ۲۳۰.

۲. همو، ۲۲۶.

۳. تیجانی، ۲۵۵.

۴. همو، ۷۳.

من نزد ابوالحسن علی (ابن اساطیر) (د. ۶۷۰ق) / الاشارات و التنبيهات را خوانده است.^۱ ابوالقاسم محمد بن احمد بن محمد الاموی (د. ۶۷۴ق) از جمله مهاجران آندلسی بود که از مرسیه به تونس هجرت کرد. تحقیقات او در دایره تفکر سینایی نقش اساسی در شکل‌گیری اندیشه‌های فلسفی در افریقه (بجایه و تونس) داشت. غبرینی، کتاب / رجوزه ابن سینا را نزد او خوانده است.^۲ از جمله تحقیقات محض فلسفی که به او نسبت داده‌اند تحقیق درباره مفهوم «حرکت» بود. غبرینی می‌نویسد: در بحث حرکت با او گفتگو می‌کردم می‌گفت: مردم بحث حرکت را خیلی بزرگ کرده‌اند. بنابه داستانی که غبرینی از او نقل کرده او در یک مکاشفه فکری (که تا حدودی شبیه مکاشفه فکری نیوتن در فهم حرکت است) به حقیقت و ماهیت حرکت پی برده است. غبرینی می‌نویسد: او به من گفت: برای چیدن میوه بالای درخت رفته بودم و در مورد حرکت فکر می‌کردم در این حین ناگهان مفهوم حرکت بر من هویدا شد و آن را درک کردم و از خود بی‌خود شده، بیهوش شده و از درخت سقوط کردم...^۳

غبرینی از دقت فلسفی این شخص سخن گفته و می‌نویسد: ابوالعباس احمد مالقی، مطالبی را که مردم آن را واضح می‌پنداشتند او آن را ممتنع و پیچیده و نیازمند تحقیق می‌دانست. در حقیقت او قائل بود که مفاهیم فلسفی، مفاهیمی سهل و ممتنع است که در دیدگاه عموم مردم سهل می‌نمایند اما در دیدگاه فیلسوف ممتنع است.^۴ یعنی؛ او در امری که در نظر مردم سهل ولی در حقیقت مشکل بود، تحقیق می‌کرد.^۵ اندیشه این فیلسوف به طریقه متقدمین بود و سراسر عمر خود را وقف مطالعه و تحقیق در مورد افکار ارسطو و افلاطون کرد به گفته غبرینی او همواره ملازم ارسطو و افلاطون بود.^۶

۱. همو، ۲۲۷.

۲. همو، ۷۵.

۳. همان، ۱۷۴.

۴. غبرینی، ۷۳.

۵. غبرینی، ۷۴. (و کان له تحقیق فی امر یظن الناس انها حاصله و هی بالحقیقه غیر حاصله).

۶. غبرینی، ۷۳. (لأزم ارسطو و افلاطون).

کتابی در موسیقی توسط ابوعبدالله محمد بن ابراهیم فهری از علمای بجایه تدوین شد که غبرینی می‌نویسد: به نظر من این کتاب از جمله آثار ابن سینا در موسیقی است.^۱ غبرینی از قول استادش نقل می‌کند که: او نزد تجیبی (د. ۶۳۸ ق) از مهاجران آندلسی ساکن بجایه کتاب نجات ابن سینا را خوانده است. استاد او کتاب نجات را به طور مبسوط مورد نقد قرار داده و به بهترین وجه تقریر و تدریس و سپس آن را نقض کرده^۲ و مردود شمرده است. ابن سینا در نجات بسیاری از مواضع متکلمان را رد کرده است.^۳ مخالفت با ابن سینا در قرن پنجم و ششم هجری در محافل علمی شرق جهان اسلام رایج بود.^۴ در افریقه نیز پیروان غزالی و رازی که اندیشه‌های آن‌ها در غرب جهان اسلام از حاکمیت بسیار بالایی برخوردار بود؛ به نقد و رد آثار ابن سینا پرداختند.

۳. مدرسه ابن رشد (د. ۵۹۵ ق - ۱۱۹۸م)

نفوذ اندیشه‌های ابن رشد در آثار فلسفی در مراکز آموزشی دوره حفصی هویدا است.^۵ مطالعه و تلخیص آثار ابن رشد در قرن هفتم و هشتم هجری در افریقه جزو کارهای علماء و اساتید بود. از جمله آثار هجرت آندلسی‌ها، انتقال مدرسه فلسفی ابن رشد به افریقه بود. اگرچه این مدرسه نسبت به مدرسه رازی و غزالی توفیق چندانی در افریقه پیدا نکرد.

۱. غبرینی، ۲۱۰.

۲. غبرینی، ۱۴۴.

۳. ابن سینا، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۹۱.

۴. صفا، ۲۷۹/۱، ۲۷۸، ۲۸۰.

۵. چهارچوب اساسی اندیشه ابن رشد که در مدرسه مغربی - آندلسی در اوج شکوفایی دولت موحدین ارائه گردید بر مبنای زیر استوار بود:

۱. ایجاد هماهنگی بین عقل و شرع؛

۲. گرایش به ارسطو؛

۳. عقلگرایی مفرط در برتر دانستن عقل نسبت به شرع؛

۴. ارائه نظام اخلاقی بر اساس مبنای انسان‌شناسی ارسطو و آموزه‌های دین اسلام.

در بجایه که از مراکز گسترش اندیشه‌های فلسفی و نگارش کتب حکمی بود، بسیاری از کتب ابن رشد استنساخ شد.^۱ علمای بجایه در طی سده ششم و اوائل سده هفتم با ابن رشد ارتباط برقرار کرده و از محضر او سود می‌جستند.^۲ از جمله علمای بجایه ابو عبدالله محمد بن ابراهیم معروف به اصولی (د. ۶۱۲ق) از دوستان ابن رشد، بود او در آندلس علوم اوائل را نزد ابن رشد خواند و زمانی که ابن رشد دچار محنت شد او بود که ابن رشد را از قتل حتمی توسط سلطان منصور موحدی نجات داد^۳ و نزد سلطان از او شفاعت کرد و اتهامی را که به ابن رشد نسبت داده بودند، عاقلانه توضیح داد و سلطان را نسبت به بی‌گناهی ابن رشد مطمئن ساخت.^۴

ابن خلدون را یکی از چهره‌های شاخص پیروان مدرسه ابن رشد دانسته‌اند.^۵ تلخیص بسیاری از آثار ابن رشد منسوب به ابن خلدون است.^۶ عبدیری از قرائت کتب ابن رشد در مغرب اوسط خبر داده است.^۷ از جمله آثار ابن رشد که در افریقه تدریس و تحقیق می‌شد، کتاب //الضروری در منطق بود.^۸ قاضی ابواسحاق ابراهیم (د. ۷۳۳ق) که در

۱. غبرینی، ۲۱۱.

۲. همانجا.

۳. همانجا.

۴. همانجا.

۵. برخی از محققین بهترین شاهد بر رواج اندیشه ابن رشد در افریقه دوره حفصی را پیدایش چهره‌های برجسته علم چون ابن خلدون، در این مدرسه دانسته‌اند. (ر.ک: عون، ۳۹، ۴۰) ابن خلدون (ر.ک: ابن خلدون، رحله، ۱۰۵) در بین اساتید خود از آبلی شیخ علوم عقلی و فارس المعقول و المنقول محمد بن احمد الشریف الحسنی که هر دو از مدرسین آثار ابن رشد بوده‌اند، نام برده است. (ر.ک: همان، ۸۲، ۱۰۵) او نزد آبلی در تونس. علوم عقلی، منطق و علوم حکمت خوانده است. (ر.ک: همان، ۸۳) عقلگرایی ابن خلدون و مخالفت با فلسفه را برخی دلیل تعارض در اندیشه او تلقی و در رفع و توجیه آن تلاش کرده‌اند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲) به هر صورت این تعارض چنانکه می‌آید صوری است و اکثر محققان مسلمان و غیر مسلمان بر اندیشه فلسفی ابن خلدون تأکید نموده‌اند. (ر.ک: زیادی، ۲۹۴).

۶. نفیر، ۱/۳۳۶.

۷. عبدیری، ۱۰۶.

۸. همو، ۶۵.

مباحث کلامی آثاری عرضه کرد، کتابی به نام *اختصار اجوبه ابن رشد* نوشت.^۱

۴. مدرسه امام محمد غزالی (د. ۵۰۵ق)

غرب اسلامی از دوره مرابطين با نام غزالی و آثار او آشنا شده بود. اندیشه غزالی از آغاز با دو موج گسترده و عمیق مخالفت دولتی و موافقت مردمی مواجه شد؛^۲ اما سرانجام ابن تومرت اندیشه غزالی را در مغرب و آندلس رایج ساخت و آثار او در محافل درسی افریقيه مورد بحث و نظر واقع شد. آثار حمایت ابن تومرت از اندیشه غزالی همچنان تا قرن هشتم هجری در افریقيه برقرار بود.^۳ مدرسه غزالی را از حیث گستردگی و عمق در افریقيه باید بعد از مدرسه رازی طبقه‌بندی کرد. در دوره حفصی آثار غزالی و هم‌فکران و پیروان او در زمینه‌های مختلف به‌ویژه کلام مورد استقبال و در مواردی با نقد و تضعیف و رد علمای افریقيه مواجه شد.

از جمله افرادی از هم‌فکران غزالی که آثار او در افریقيه در مدارس تدریس می‌شد، امام الحرمین جوینی بود. ابومحمد عبدالله الشریف از علمای قرن هفتم بجایه، متکلم و متخصص در اصول دین، کتاب *الارشاد جوینی* را شرح و تدریس می‌کرد. از او به عنوان *اعلم به الارشاد* (متخصص در *الارشاد جوینی*) نام برده‌اند. این متکلم صوفی صاحب‌نظر در عقائد بود. غبرینی، رجالی دوره حفصی از ابوالربیع سلیمان آندلسی به عنوان ناقد *احیاء العلوم* نامبرده است. جمله‌ای که غبرینی از این دانشمند علوم اسلامی در باب *احیاء* نقل کرده حاکی از مواضع مخالف آندلسی‌های مهاجر به افریقيه نسبت به *احیاء* است.^۴ غبرینی از قول ابوالربیع می‌نویسد: «چه موقع علوم مردند که *احیاء* علوم دین غزالی آن‌ها را زنده کند! علوم دین همواره زنده و پایدارند».^۵

۱. عون، ۲۹.

۲. پاک، «تحول اندیشه‌های فلسفی و کلامی دوره مرابطين»، *تاریخ اسلام*، ش ۸، ۴۳.

۳. عون، ۴۰.

۴. حرکات، ۲۴/۳، ۲۲.

۵. غبرینی، ۲۸۰.

یکی از مخالفین معاصر غزالی در افریقیه، امام مازری (د. ۵۳۶ق) صاحب مدرسه کلامی و صاحب نظر ساکن مهدیه بود. او کتابی به نام *الكشف و الانباء فی الرد علی الاحیاء* نوشت.^۱ در عین حال در دوره حفصی مواردی از ترویج جانبدارانه از آثار غزالی به چشم می‌خورد. مسیلی (متوفی نیمه قرن هفتم) از علمای افریقیه، قاضی شهر بجایه نگرش مثبتی به غزالی داشت. او کتابی با عنوان *التفکر فی ما یشتمل علیه السور و الآیات من المبادئ و الغایات* به شیوه غزالی و در چهار چوب مسلک او در *احیاء علوم دین* نوشت. او به خاطر نگارش این کتاب به *اباحامد صغیر* معروف شد.^۲ در نهایت باید گفت: علمای افریقیه با دیدگاه انتقادی و با احتیاط به آثار غزالی نگاه کرده‌اند و اعتبار بالایی برای آراء کلامی او قائل نبودند. ابوالحسن علی ابن المتنصر تونسلی (د. ۷۴۲ق) از علمای بزرگ افریقیه، قضاوتی در مورد غزالی دارد که تا حدودی می‌توان آنرا دیدگاه علمای افریقیه در مورد غزالی تلقی کرد. به گفته او: «غزالی امام در فقه، متوسط در اصول فقه و ضعیف در علم کلام و اعتقادات بود».^۳

۵. مدرسه فخر رازی (د. ۶۰۶ق)

رازی پرچمدار بی بدیل فلسفه و کلام در قرن ششم در شرق و غرب جهان اسلام بود و اندیشه‌های او در غرب جهان اسلام به‌ویژه در افریقیه با استقبال بسیار گسترده‌تری از شرق روبرو شد. مدرسه رازی بیشترین پیروان را بین مدارس اندیشه در افریقیه به خود اختصاص داده بود. ابوالعباس احمد غماری (د. ۶۸۲ق) از بزرگان دولت حفصی که چند بار به عنوان سفیر مستنصر خلیفه اول حفصی به مغرب اقصی (دربار مرینی‌ها) سفر کرد. همواره می‌گفت: امام فخر بی‌نظیر است و شیفته او بود و کتب او را بر نوشته‌های متقدمین و متأخرین ترجیح می‌داد.^۴

۱. همو، ۳۸۶.

۲. غبرینی، ۳۳.

۳. عون، ۳۰.

۴. غبرینی، ۹۵.

از ابن زیتون (د. ۶۹۱ق) قاضی الجماعه دولت حفصی در زمان مستنصر بالله که در عقد قرارداد صلح، با لوثی نهم در جنگ صلیبی هشتم نقش اساسی بازی کرد به عنوان نخستین واردکننده اندیشه رازی به افریقيه (غرب اسلامی) یاد کرده‌اند.^۱ ابن زیتون که از اوائل سال‌های جوانی به سال ۶۴۸ ق برای تحصیل به شرق سفر کرد^۲ و در مصر و شام و بغداد نزد شاگردان «رازی» پرورده شد، او در علم اصول عقاید (کلام) متبحر بود و در جدل و منطق و حکمت دستی داشت.^۳ در افریقيه به مدرسه فخر رازی، طریقه متأخرین اطلاق شده است. از محمد بن ابراهیم بن الخباز المهدوی (د. ۶۸۳ ق/۱۲۸۴م) فقیه تونسسی به عنوان دومین فردی که اندیشه‌های رازی را وارد افریقيه کرد، نام برده‌اند.^۴

شیوه رازی در افریقيه کارآمد در رأس مدارس رایج در افریقيه بود و روش او وسیله تکامل و توسعه اندیشه در افریقيه شد. مبنای اصلی شیوه رازی نوعی خاص از «جدل و مناظره» بود.^۵ شرح و تعلیق و تلخیص آثار رازی حجم وسیعی از نوشته‌های فلسفی - کلامی افریقيه را تشکیل می‌داد. تحقیق و تلخیص کتاب تفسیر کبیر رازی، شرح کتاب *المعالم* رازی و تعلیق بر المحصل رازی از جمله کارهایی بود که توسط پیروان مدرسه رازی و دیگر علمای افریقيه که پیرو مکاتب دیگر بودند، انجام شد. ابن خلدون از جمله افرادی بود که کتاب محصل رازی را تلخیص کرد.^۶

تحت تأثیر رازی، نوشته‌هایی در علم خلاف و جدل پدید آمد و گرایش به جدل افزایش پیدا کرد. از محصولات تأثیر اندیشه رازی در افریقيه باید به اثر مهم ابو محمد

۱. عبدری، ۶۸؛ نفیر، ۳/۴۳۳.

۲. ابن زیتون دوبار به شرق سفر کرد. ر.ک: عبدی، ۲۵۶؛ ابن رشید، ۴۳/۲؛ غبرینی، ۶۷؛ زرکشی، ۵۲، ۴۴، ۴۵.

۳. غبرینی، ۹۷.

۴. مخلوف، ۱۹۲/۱.

۵. رواج مناظره و جدل به شیوه رازی از ویژگی‌های مباحث کلامی در عصر حفصی است، ر.ک: ابن خطیب

قسنطینی، *الفارسیه*، ۲۹، ۳۰.

۶. محفوظ، ۲۲۰/۲.

عبدالوهاب بن یوسف بن عبدالقادر (د. ۶۸۰ ق/ ۲۸۰م) اشاره کرد. او از متخصصین در حکمت و منطق و بر شیوه متأخرین (طریقه رازی) بود و کتاب *کشف الاسرار عن غوامض الافکار خونجی* را براساس اندیشه‌های رازی، شرح کرد.^۱ نفّزی از علمای بزرگ بجایه، متبحر در منطق (د. ۶۴۳ ق) کتاب *المفصل رازی* را تلخیص کرد^۲ و ابوعلی عمر بن احمد العمری (د. ۶۶۰ ق) وصیت فخرالدین ابن خطیب هنگام مرگ را تفسیر و نقد و رد کرده است.^۳ ابّی (د. ۸۲۸ ق) از علمای محدث، متکلم دوره حفصی، اصولی، عالم مغرب در معقول^۴ در کتب خود در چهارچوب عقاید رازی وارد بحث‌های کلامی شده است.^۵ از جمله این مباحث در موضوع تنزیه خداوند سبحان از جهت و مکان است.^۶

۶. مدرسه مازری

امام ابی عبدالله مازری (د. ۵۳۶ ق) مقیم مهدیه عالم به فقه و حدیث. او کتابی به نام *الكشف و الانباء فی الرد علی الاحیاء* از امام غزالی نوشت.^۷ شیوه حاکم بر اندیشه مازری، استفاده از ادله و براهین منطقی بود. او در کتاب خود *التلقین* که از کتب درسی در افریقیه بود، طریقه جدیدی که در چهارچوب سؤال و جواب انجام می‌شد، مطرح کرد. رأی امام مازری در آثار ابّی از جمله رأی مازری^۸ در باب تأویل نصوص مربوط به مکان و جهت در مورد خدا و در مسئله افعال بندگان به چشم می‌خورد.^۹

۱. خونجی (د. ۶۴۶ ق) نویسنده کتاب *کشف الاسرار عن غوامض الافکار و الموجز در حکمت و منطق* بود. این دو کتاب از کتب درسی در محافل علمی افریقیه بود و درک آنها نیاز به تسلط زیاد به مباحث حکمی داشت. رک: ابن خطیب، *وفیات*، ۳۲۰.

۲. غبرینی، ۱۹۳.

۳. غبرینی، ۲۶۸.

۴. عون، ۱۱۹.

۵. عون، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷.

۶. عون، ۳۵۰؛ *معالم اصول الدین*، ۳۳، ۱۱۳.

۷. همو، ۳۸۶.

۸. عون، ۳۵۱.

۹. همو، ۳۵۹.

۷. اندیشه‌های دو سهروردی در افریقیه

در منابع مربوط به افریقیه از دو سهروردی به عنوان بزرگان فلسفه و تصوف نام برده شده است. این دو دانشمند اسلامی دو گرایش متفاوت در تلفیق فلسفه و تصوف اتخاذ کردند. عمر سهروردی مخالف تلفیق تصوف و فلسفه بود؛ اما شهاب‌الدین سهروردی (شیخ مقتول) حکمتی بنیاد کرد که تلفیق فلسفه و تصوف در آن آشکار بود.^۱

اندیشه‌های عمر سهروردی (د. ۶۳۲ق) نقطه مقابل اندیشه‌های یحیی بن حبش شهاب‌الدین سهروردی (د. ۵۸۷ق) بود با این وجود آثار این دو مورد استفاده ابن‌سبعین بنیانگذار تصوف فلسفی، قرار داشت و در سراسر غرب اسلامی به‌ویژه افریقیه دوره حفصی در مدارس و جوامع تدریس می‌شد. ولی اندیشه عمر سهروردی مورد عنایت تام علمای افریقیه بود. از عمر سهروردی در برخی محافل غرب اسلامی با عنوان سلطان اهل حقیقت یاد شده است.^۲ تصوف عمر سهروردی مقید به حدیث بود. عبد‌ری از علمای غرب اسلامی از آثار هر دو سهروردی استفاده کرده است. او در سفر به تلمسان در ملاقات با فقیه امام ابوالمطرف احمد بن عبدالله بن عمیره مخزومی، کتاب *التنقیحات*^۳ در اصول^۴ از شیخ مقتول سهروردی (د. ۵۸۷ق)^۵ را نزد او خواند^۶ و در تونس کتاب *عوارف المعارف*^۷ عمر سهروردی بغدادی را که در تصوف است نزد ابی القاسم لبیدی خواند.^۸

۱. تفتازانی، ۸۰/۸.

۲. مخلوف، ۱۸۶/۱.

۳. ابن خلکان، ۳۳۵/۳.

۴. چنانکه گذشته غلبه جریانی از عقلگرایی در علوم از جمله در اصول فقه از ویژگیهای دوره حفصی بود.

۵. عبد‌ری، ۶۴.

۶. ابن سبعین آثار سهروردی را نقد کرده و می‌گوید: «عود... من تلوحیات السهروردی و التنقیحات...» او سهروردی مقتول را جامع بین حکمت مشاء و اشراق دانسته و... ر.ک: تفتازانی، ۷۹، ۸۰.

۷. عوارف المعارف از شیخ شهاب‌الدین ابی حفص عمر بن محمد سهروردی (د. ۶۳۲ق) مشتمل بر ۶۳ باب در سیره متصوفه و احوال و اعمال آنها است. ر.ک: مصاحب، ۱۳۸۴.

۸. عبد‌ری، ۴۹۷.

به گفته مخلوف^۱ گروه زیادی از علماء نزد او درس خواندند از جمله شاگردان معروف او، سلاوی (د. ۶۴۱ق) نزیل تونس بود.^۲ اندیشه‌های شیخ مقتول در مصر^۳ و شام و افریقیه با مخالفت تند حکومت و علما مواجه شد؛ اما از اندیشه‌های عمر سهروردی در مصر و شام به‌ویژه افریقیه استقبال شد.^۴

۸. مدرسه ابن عرفه

پیشوای این مدرسه ابو عبدالله محمد بن عرفه و رغمی تونسی (د. ۸۰۳ق) امام در ادبیات، فقه، ریاضیات، از مخالفان سرسخت ابن خلدون بود. او باعث شد ابن خلدون تونس را ترک کند. ابن عرفه کتابی در علم کلام در مقابله با الطوابع قاضی بیضاوی (د. ۶۸۰ق) تدوین کرد^۵ که حاکی از خط فکری او در کلام است.^۶ ابن عرفه در روش خود نوعی جمود بر الفاظ متون سلف را سبب شد.

۹. مدرسه ابن خلدون (د. ۸۰۸ق)؛ فلسفه تاریخ

عده قابل توجهی از محققین را اعتقاد بر آن است که ابن خلدون چند صد سال قبل از اولین توجه دانشمندان غرب مسیحی، به بحث در خصوص^۷ «فلسفه نظری تاریخ» پرداخته^۸ و با بررسی روش مورخان و انتقاد از آن‌ها در حوزه «فلسفه علم تاریخ» نیز

۱. مؤلف تونسی مخلوف، از عمر سهروردی به عنوان ترجمان الطریقه و سلطان اهل الحقیقه نام برده است. ر.ک: مخلوف، ۱۸۶/۱.

۲. مخلوف، ۱۸۶/۱.

۳. مدکور، سهروردی شیخ مقتول را در ذیل عنوان «تصوف شبه فلسفی» معرفی کرده است. ر.ک: مدکور، ۵۳/۲.

۴. تفتازانی، ۴۹.

۵. بیضاوی از بزرگان کلام اشعری در قرن هفتم هجری بود که اثر او *طوابع/لانوار*، در کنار کتاب *المواقف ایچی* (د. ۷۵۵ق) و *المقاصد تفتازانی* (د. ۷۹۱ق) نقش اساسی در انتشار اندیشه‌های کلامی به عهده داشته‌اند.

۶. نفیر، ۳۳۴/۱.

۷. نوذری، ۲۵۸.

۸. نصار، ۴۴.

وارد شده است.^۱ ابن خلدون در مقدمه بحثی را به بررسی^۲ فکر انسانی اختصاص داده^۳ و عقل تجربی و کیفیت حصول آن و جایگاه آن نسبت به عقل نظری را بررسی کرده است. او در مقدمه به تحولات تاریخی علوم پرداخته است. دیدگاه او در تحول علم کلام دوره اسلامی نوعی تفلسف ابن خلدون در علم است. این کار نخستین گام در حوزه فلسفه علم است. بحث از اصول و مبادی و تفسیر تاریخی^۴ تحولات علم و تبیین^۵ علم و وارد کردن فلسفه به حوزه علم^۶ از جمله مسائل مهم مطرح در حوزه فلسفه علم است.^۷

عمده‌ترین تحول در عرصه اندیشه‌های فلسفی در دوره حفصی که آثار ماندگاری در میراث بشری در سطح جهانی به جا گذاشت، اندیشه ابن خلدون در زمینه فلسفه تاریخ است. طرح «علم عمران» در چهارچوب بینش فلسفی ابن خلدون گام بزرگی در زمینه علوم انسانی محسوب می‌شود و حاکی از آغاز دوره‌ای جدید از اندیشه در جهان است. چگونگی ورود ابن خلدون از تاریخ (علم نقلی) به حوزه علوم عقلی و طرح علم عمران مورد توجه محققین قرار گرفته است.^۸

محسن مهدی با وجود اشاره به نوآوری ابن خلدون در عرصه تاریخ علم و تأسیس علم نوین‌پدید عمران کار ابن خلدون نسبت به ارسطو را الحاقی بی اهمیت به طبقه‌بندی

۱. ناصف نصار، محقق عرب، شاگرد پروفسور برونشویک به سال ۱۹۶۵م، در تحقیق در خصوص توجه ابن خلدون به روش‌مندی تاریخ و روش عقلائی ابن خلدون، در حوزه فلسفه علم تاریخ و مباحث شناخت‌شناسی وارد شده است، ر.ک: نصار، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، و...

۲. ابن خلدون، مقدمه، ۱۰۳۶.

۳. همو، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲.

۴. چالمرز، ۹۰.

۵. همو، ۱۰.

۶. عزام، ۵۲.

۷. عزام، ۵۲، ۵۳، ۵۴.

۸. آزاد، ۹۱-۱۰۴.

ارسطویی از علم می‌داند؛ اما دکتر عبدالواحد،^۲ نوذری،^۳ محمد عزام،^۴ از جمله محققینی هستند که به اهمیت ابن خلدون در تأسیس علم جدید توجه کرده‌اند.

۱۰. مدرسه ابن سبعین

ابن سبعین (د. ۶۶۹ق) با مطالعه و نقد مکاتب و آراء فلسفی معاصر و قبل از خود، به آن‌ها رنگ معینی داد و از جمع آن‌ها مذهب فلسفی خاصی پدید آورد.^۵ در امتزاج فلسفه و تصوف توسط او غلبه با فلسفه بود.^۶ ماسینیون عقاید فلسفی ابن سبعین و نقد او از فلاسفه پیشین را نقطه عطف اساسی در تاریخ فلسفه به حساب آورده و نقد او از فلسفه را اولین تلاش برای نقد معنوی تاریخ فلسفه دانسته است.^۷

او با نقد آراء بزرگان فلسفه اسلامی کوشید تا چینش جدید و خاصی در بین آراء فلاسفه قدیم برقرار سازد. او در رسائل خود نوعی موازنه بین بزرگان فلاسفه اسلام برقرار ساخته است.^۸ ابن سبعین ناکارآمدی فلسفه و تصوف و کلام در عصر خود را متذکر شده و راه جدیدی در عرصه دانش بشری ارائه نمود. او فلسفه خود را «علم تحقیق» نامید.

۱. ر.ک: طباطبایی، ۱۶۵؛ مهدی، ۲۸۶ و....

۲. شرف‌الدین، ۱۸۲.

۳. نوذری، ۲۵۸.

۴. عزم، ۴۹.

۵. بدوی، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵. رساله الفقیریه، ۱۳ و ۱۴.

۶. تفتازانی، ۸۰ و ۸۲.

۷. بدوی، ۱۵. *ابن سبعین و النقد النفسانی فی تاریخ الفلسفه الاسلامیه فی تذکار هنری باسید، پاریس ۱۹۲۸، ۲/*

۱۳۴ و....

۸. او فارابی، ابن سینا، ابن رشد، ارسطو، افلاطون را با معیارهایی که خود ترسیم کرده بود، طبقه‌بندی کرد. از جمله وجه اهمیت ابن سبعین، تعیین جایگاه ابن رشد در تاریخ فلسفه اسلامی نسبت به افلاطون و ارسطو بود. (ر.ک: تفتازانی، ۲۰۰). او چهره واقعی ارسطو را از بین شروح ابن رشد بر آثار ارسطو مشخص نمود و میزان تأثیر فلسفه افلاطونی بر فلسفه اسلامی را تعیین کرد. (ر.ک: همو، ۲۰۴). این دیدگاه او، انتقادی اساسی بر مواضع کسانی بود که فلاسفه اسلامی را چیزی جز فلسفه ارسطویی نمی‌دانستند. (ر.ک: همو، ۲۰۵).

وجه اهمیت ابن سبعین در ارائه نوعی فلسفه است که از اصطلاحات رمزی^۱ علم تصوف و علم عرفان در آن سود جسته و در حقیقت کار او دومین مرحله اساسی از مراحل سبّی شدن اندیشه‌های فلسفی در غرب اسلامی است.^۲ ابن سبعین در آغاز قرن هفتم به عنوان پرچمدار فلسفه رمزی که در پوشش تصوف ارائه شده بود، مطرح شد. او با پیروانش شکل جدیدی از فلسفه نوافلاطونی، ارائه دادند که مرحله‌ای اساسی در جریان تلفیق^۳ در فلسفه اسلامی به حساب می‌آمد.^۴

گرایش به تشیع^۵ و سلطه آمیزه‌های یونانی بر افکار ابن سبعین با عکس العمل تند محافل سنی معاصر او در شرق جهان اسلام مواجه شد. تندترین این برخوردها از ابن تیمیه بود که در نوشته‌هایی فتوا به کفر ابن سبعین داد. انتشار اندیشه‌های او در مغرب و مصر و حجاز بحران ساز بود.^۶

ابن سبعین در رأس جریان فلسفه در غرب اسلامی^۷ مورد توجه خاص^۸ و عام قرار

۱. ابن سبعین، ۱۸۳، ۲۱۶، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۵۲، ۲۵۸ و صفحات متعدد.

۲. رمزگونه و نمادین شدن اندیشه‌های فلسفی در غالب آموزه‌های مبهم و پیچیده تصوف و عرفان بطور جدی با محی‌الدین آغاز شد و با ابن سبعین مراحل تکامل خود را طی کرد. گستردگی و نفوذ افکار ابن سبعین جایگاه خاصی به او در تاریخ آفریقیه داده است.

۳. به عبارتی فلسفه ابن سبعین که از آموزه‌های یونانی بهره گرفته بود جریان تلفیق بین آموزه‌های ارسطویی و افلاطونی را که به صورت سنتی پایدار نزد متفکران اسلامی درآمده بود را توسعه بخشید.

۴. تقسیم‌بندی او از صاحبان دانش در چهارچوب همین اندیشه‌های تلفیقی او بیان شد. ابن سبعین اهل دانش را به ۵ گروه: ۱. فلاسفه، ۲. متکلمان، ۳. فقهاء، ۴. صوفیه، ۵. محققین، تقسیم کرده و معرفت حقیقی را از آن محققین دانسته است. به عقیده او ۴ گروه دیگر نسبت به معرفت الهی، اصم می‌باشند. این بیان وی در خصوص «معرفت حقیقی» نظریه جدیدی در باب «معرفت» محسوب می‌شد. تنها بعضی از صوفیه قادر به درک معرفت حقیقی هستند. (ر.ک: تفتازانی، ۳۴۱).

۵. در یکی از متون منسوب به ابن سبعین یک بیت از او که رائجه علاقه و تعصب به اهل بیت دارد آمده. (ر.ک: تفتازانی، ۵۱، ۵۲؛ بدو/العارف، ۷۵).

۶. در منابع مصری و شامی از ابن سبعین و یاران او با عنوان گمراه و کافر یاد می‌کردند. در مرگ محمد السیوفی از پیروان ابن سبعین، العبر می‌نویسد: شیخ گمراه یار ابن سبعین مرد. (ر.ک: ذهبی، ۱۸۲).

۷. از ابن سبعین به عنوان اعلم زمان خود به ارسطو یاد کرده‌اند (ر.ک: تفتازانی، ۱۸۰).

۸. پاپ او را اعلم مسلمین در عصر خود خوانده است. (ر.ک: تفتازانی، ۱۸۳).

گرفت. خلیفه عبدالواحد الرشید (د. ۴۰۶ق) نامه پادشاه صقیله فردریک دوم را که حاوی سؤالات فلسفی بود برای ابن سبعین فرستاد. او به جهت پاسخ‌های متبحرانه به این سؤالات «فیلسوف صقیله» نام گرفت.

پاسخ‌های ابن سبعین حاکی از تبحر او در فلسفه یونانی و در عین حال سرسپردگی او به مبانی اسلام و دفاع متعصبانه از آن است. پاسخ‌های او به سؤالات فردریک با نقد اندیشه ارسطو همراه است.^۱ برخورد و نقد تند و کوبنده ابن سبعین در پاسخ به سؤالات فردریک، حاکی از حیات فلسفه اسلامی و موفقیت اندیشه تصوف فلسفی است که در آراء و افکار ابن سبعین تجلی پیدا کرده بود.

تصوف فلسفی

زمینه و علل پیدایش

پیدایش تصوف فلسفی، از پدیده‌های اواخر موحدین و اوائل دوره حفصی است که در دوره حفصی مراحل تکامل خود را طی کرد. این گرایش در اندیشه فلسفی در غرب اسلامی، ریشه در اوضاع سیاسی اجتماعی این منطقه داشت. این مطلب در منابع مربوط به تاریخ فلسفه کاملاً مورد غفلت قرار گرفته و حجم انبوه بحث‌های نظری پیرامون تصوف و فلسفه مانع از توجه دقیق به اقتضای وضع تاریخی حد فاصل قرن هفتم تا دهم هجری شده است. با این وصف علل رویکرد مسلمانان به تصوف فلسفی ترکیبی از انگیزه‌های سیاسی و فلسفی است. عناوین مهم‌ترین زمینه‌های رویکرد مسلمین به تصوف فلسفی در آغاز حکومت حفصی:

۱. آغاز اخراج مسلمانان از آندلس.

۲. شکست سیاست‌های مدیترانه‌ای مسلمانان وضع ناوگان دریایی آن‌ها در مدیترانه.^۲

۱. در کتاب *مدخل فی تاریخ العلوم*، (ر.ک: *حرکات*، ۸۱/۲)، نویسنده کلمه «رد» را در مورد پاسخ ابن سبعین به فردریک دوم به کار برده است.

۲. عبادی، ۸، ۹.

۳. شدت گرفتن حرکت بازپس‌گیری^۱ آندلس توسط دولت‌های مسیحی.^۲
 ۴. اختلاف و نزاع بین دول مسلمان در غرب اسلامی و فروپاشی شرق جهان اسلام با سقوط بغداد.
 ۵. شکست الگوی مبتنی بر فلسفه محض (که ابن رشد ارائه داد) در سامان دادن به اوضاع فرهنگی غرب اسلامی.^۳
 ۶. مسیحیان در کنار اقدامات نظامی فعالیت‌های گسترده فرهنگی جهت مسیحی کردن غرب اسلامی بویژه افریقه آغاز کرده بودند.^۴
- با توجه به زمینه‌های مزبور و ضرورت دائمی جهاد مسلحانه، دولت‌های حاکم بر غرب اسلامی دریافتند که با استفاده از الگوی مبتنی بر فلسفه محض؛ قادر به تأمین مصالح خود در مصاف سیاسی، فرهنگی و نظامی با مسیحیت نیستند و تنها تصوف قادر به متحد ساختن صفوف مسلمانان در مقابله با هجوم فرهنگی و نظامی مسیحیت است. در این میان فلاسفه تصمیم به ارائه مفاهیم فلسفی در غالب اندیشه‌های رمزگونه صوفیانه گرفتند و تصوف پرچمدار جهاد علیه نصاری شد. این جهاد باعث رونق تصوف و گرایش روزافزون محافل فرهنگی غرب اسلامی به اولیاء خدا و صالحین شد. گروه‌های بزرگ جهاد مردمی در جهت دفاع از سواحل مسلمانان در قالب «جهاد ساحلی» سامان یافت.^۵ از جمله موفقیت‌آمیزترین آثار تصوف در مقابله با حملات صلیبی به سواحل غرب اسلامی، مقاومت مردم تونس به پرچمداری متصوفه و زهاد بزرگ در جنگ صلیبی هشتم بود که تونس را از سقوط در برابر لشکر متحد دول اروپائی نجات داد.^۶

1.Recoquista.

۲. عبدالمنعم، ۲۲۷، ۲۲۸.

۳. پاک، «تحول اندیشه‌های کلامی و فلسفی دوره موحدین»، تاریخ اسلام، ش ۱۲، ص. ۴۱، ۴۲.

۴. لوتیس، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۲.

۵. حرکات، ۳/۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳.

۶. پاک، «جنگ صلیبی هشتم»، تاریخ اسلام، ش ۱۶؛ ص. ۴۵.

تلفیق فلسفه و تصوف

شکوفائی تصوف در غرب اسلامی همه ابعاد فرهنگ و اندیشه در آنجا را تحت تأثیر خود قرار داد. از جمله ابعاد اندیشه که تا حد زیادی از تصوف متأثر شد، فلسفه بود.^۱ التقاط فلسفه و تصوف از دست‌آوردهای مهم جریان اندیشه در دوره حفصی است که زمینه‌های آغازین آن توسط محی‌الدین ابن عربی (از مهاجران آندلسی) در افریقه سامان گرفت. محی‌الدین در تونس در مؤانست با عبدالعزیز مهدوی و تحت تأثیر روحانی او بود.^۲ «پدیده تصوف فلسفی» حاصل مهاجرت علمای آندلسی به افریقه است و می‌توان آنرا آندلسی‌الاصل دانست که تکامل نهائی و شکل واقعی خود را در افریقه^۳ به‌ویژه در افکار ابن سبعین به دست آورد.^۴

در متون تاریخی غرب اسلامی مربوط به قرن هشتم و نهم، از عنوان «تصوف فلسفی» به شکل یک اصطلاح فرهنگی در حوزه اندیشه‌های فلسفی یاد شده است.^۵ در *الدرر الکامنه*^۶ از احمد بن عبدالله بن محمد الازدی مراکشی (د. ۷۳۰ق) پیرو مکتب محی‌الدین عربی از ناسخین *الفتوحات المکیه* به عنوان یکی از حاملین اندیشه فلسفی که به «تصوف فلسفی» گرایش پیدا کرده، یاد شده است. اشعاری توسط فلاسفه صوفی دوره حفصی سروده شد که مضامین آن حاکی از اندیشه «تصوف فلسفی» است.

۱. غبرینی، ۱۵۵.

۲. آداس، «عرفان آندلسی و ظهور ابن عربی»، *میراث اسپانیایی مسلمانان*، ۵۰۱/۲.

۳. کتب رجالی افریقه بسیاری از علمای افریقه را به تلفیق بین فلسفه، کلام و تصوف، وصف کرده‌اند. (ر.ک: عنوان *الدرایه*، ۲۲۷؛ حُسنی عبدالوهاب، *العمر*، ۳۹۴/۱؛ مخلوف، ۱۹۰).

۴. مراحل تاریخی تصوف فلسفی را در: ۱. قرطبه (مدرسه ابن مسرّه) ر.ک: حرکات، ۲۵/۳، ۲۶؛ ارنانداس، همان *میراث اسپانیایی مسلمانان*، ۳۰۲/۲؛ آداس، همان، ۵۰۲/۲، ۵۰۸. در المریه (حوزه درس اسماعیل الرعینی) ۳. در اشبیلیه (حوزه درس شوذی و حوزه درس ابن مرجان و...) ۴. افریقه (بجایه) (حوزه درس محی‌الدین عربی و ابن سبعین) باید جستجو کرد.

۵. محفوظ، ۴۲۰/۲؛ ۱۲۱/۳.

۶. عسقلانی، ۱۸۵/۱.

نمونه‌ای از این قبیل اشعار را غبرینی^۱ از تجیبی (د. ۶۳۸ ق) فیلسوف و صوفی ساکن بجایه از بزرگترین مراکز فرهنگی افریقایه دوره حفصی آورده است. در این غزل تجیبی مفاهیم فلسفی، وجود، قدم، عدم، وجود مطلق، وجود مقید، عقل، نفس را با مفاهیم صوفیانه حال، فقر محض، فنا، آمیخته است. در این اشعار، آمیزش تصوف با فلسفه به وضوح نمایان است.^۲ قول به اشراق و فیض در آفرینش و وجود ربطی و... از مفاهیم اساسی مطرح در حوزه «تصوف فلسفی» بوده است.

برخورد اسلام و مسیحیت

انبوه فتاوای علمای مسلمان مهاجر از آندلس به افریقایه و سایر بلاد غرب اسلامی باعث جنگ حاد کلامی بین اسلام و مسیحیت در دوره حفصی شد. ردیه‌نویسی بر علیه مسیحیت و نقد مبانی آن از جمله تحولات مهم کلامی عصر حفصی است. ردیه‌نویسی علیه مسیحیت بخشی از فرهنگ اسلامی در عصر حفصی بود که سراسر غرب اسلامی، مصر و شام را فراگرفت.^۳ فقیه تونس ابراهیم بن عبدالرفیع (د. ۷۳۳ق) قاضی الجماعه دولت حفصی کتاب الرد علی المتنصر را در نقد و ابطال مبانی مسیحیت نوشت.^۴ عبدالله ترجمان (د. ۸۳۷ق)، کشیشی^۵ که اسلام آورد و کتابی در رد مسیحیت نوشت و عقاید اساسی آن را نقد و ابطال کرد. او کتاب *التعالیم الصالحه، و النبوات و بشارات الانبیاء*

۱. نفیر، ۲۱۶/۱، ۲۱۷.

۲. ما لنا سوی الحال العدم

نحن بنیان بنته حکمه

احرف کتب الله مایقراها

اشرقت انفسنا من نوره

یقطعانی بخیالات الفنا

و لبارینا وجود و قدم

و خلیق بالینا ان یهدم

غیر من یعرف ما معنی القلم

فوجود الكل عن فیض الکرّم...

عن وجود لم یقید بعدم

۳. منونی، ۳۸۵؛ مخلوف، ۱۸۸/۱.

۴. برونشویک، ۱۸۰/۲.

۵. مخلوف، التتمه، ۱۴۸.

بالنبی محمد(ص) را نیز نوشت.^۱

تقی‌الدین موصلی فقیه فیلسوف، صوفی متکلم بزرگ مسلمان در سفری طولانی به غرب اسلامی مورد توجه فردریک دوم شاه صقلیه قرار گرفت و به آن جا دعوت شد. او در مناظره‌ای با علمای مسیحی در صقلیه آن‌ها را منکوب کرد.^۲ موارد دیگری از گفتگوهای کلامی در موضوعاتی چون اعجاز قرآن و... در دوره حفصی بین محافل اسلامی و مسیحی رایج بود.

تحولات کلامی خوارج اباضی در دوره حفصی

علمای اباضیه افریقیه در زمینه علم کلام در دوره حفصی فعال بودند و متونی ارائه کردند که حاکی از تحول و رشد کلام اباضی در دوره حفصی است.^۳ این متون در مراکز آموزشی اباضیه تدریس می‌شد. انگیزه اصلی اباضیه در نگارش چنین متونی، نوشتن آثاری در دفاع از عقاید و فرهنگ اباضی بود. مناظرات متعددی بین علمای اباضی و مالکی دوره حفصی درگرفت. فقهای مالکی دشمن قسم خورده اباضیه در دوره حفصی نیز مبانی عقیدتی اباضیه را تکفیر می‌کردند.^۴

در دوره حفصی کتاب^۵ «عقیده التوحید» از ابی حفص عمرو بن جمیع الجریبی از علمای بزرگ اباضیه که به زبان بربری نوشته شده بود به زبان عربی ترجمه شد. کتاب عقیده التوحید مبانی اعتقادی اباضیه را بیان کرده و طلاب اباضی آن را به عنوان اولین کتاب اعتقادی قرائت و گاهی حفظ می‌کردند.^۶ داود بن ابراهیم التلالی الجریبی (د.

۱. حرکات، ۴۰۱/۲.

۲. غبرینی، ۱۸۱.

۳. حرکات، ۳۹۳/۲، ۳۹۴.

۴. ناصر، ۳۲۵/۲.

۵. محفوظ، ۶۲/۲.

۶. ناصر، ۱۴۰/۲.

۹۶۷ق) این کتاب را شرح و تدریس می‌کرد.^۱

به علت تکفیر مبانی اعتقادی اباضیه از سوی مالکیه تونس، جریان ردیه‌نویسی بین علمای اباضی رواج داشت. فقیه مالکی ابی الحسن البهلولی اباضیه را کافر خواند و عیسی بن موسی (ابومهدی) از بزرگان اباضیه وادی میزاب، کتابی با عنوان الرد علی بعض الطاعنین فی المذهب الاباضی را بر علیه بهلولی نوشت.^۲ کتابی دیگر با عنوان مجموعه من الرسائل و الردود و الاجوبه که مجموعه‌ای از ردیه بر علیه بهلولی بود، ارائه شد.^۳

مناظرات کلامی علمای تونس با علمای اباضیه مناطق اباضی نشین افریقیه، از جمله ارتباطات دائم اباضیه با پایتخت افریقیه بود. یک نمونه از مناظرات رسمی بین مالکیه و اباضیه، در زمان سلطان ابی فارس حفصی به وقوع پیوست.^۴

کتاب الموجز نوشته عبدالکافی ابوعمار (د. ۶۰۰ق) از جمله کتب کلامی اباضیه بود که به سبک مناظره نوشته شده بود. این کتاب با کتاب‌های باقلانی و غزالی در کلام برابری می‌کرد و ویژگی خاص کلام اباضی یعنی «مناظره» را با اسلوب ادبی در هم آمیخته بود.^۵

۱. همو، ۲۱۷.

۲. ناصر، ۳۲۵/۲.

۳. همو، ۳۲۶/۲.

۴. همو، ۲۶۱/۲.

۵. همو، ۲۵۸/۲؛ حرکات، ۳۹۴/۲.

نتیجه

تنوع چشمگیر اندیشه‌های کلامی و فلسفی رایج و حاکم در عصر حفصی، محسوس‌ترین نمایش حیات و پویایی تفکر اسلامی است. سه نتیجه عمده از تحولات فلسفی و کلامی این دوره می‌توان کسب کرد.

۱. تغییرات و نوآوری‌ها در عرصه فلسفه اسلامی در افق دیدگاه‌های کلامی تسنن و تشیع صورت گرفت.

۲. فلسفه محض با گذشت زمان در کلام و تصوف محو نشد و شکل خاصی از آن در قالب فلسفه دینی عرضه شد. این پدیده نقض دیدگاه کسانی است که نام کلام را به طور یکسان در مورد اندیشه‌های فلسفی بسیاری از فلاسفه اسلامی به کار برده‌اند.

۳. تصوف فلسفی کارایی مفید و حیاتی خود در زندگی روزمره سیاسی، نظامی و اجتماعی مردم را نشان داد.

۴. دیدگاه ابن خلدون ثمراتی در تاریخ فلسفه به بار آورد. از جمله دو فائده بر دیدگاه ابن خلدون در خصوص حوادث تاریخی می‌توان مترتب کرد:

الف. نظریه‌ای که ریشه و آغاز همه علوم را به یونان بر می‌گرداند با طرح «علم عمران» بوسیله ابن خلدون نقض شد.

ب. ابن خلدون یک مسأله به مسائل اصیل فلسفه اضافه کرد و نشان داد که مسلمانان صاحب اندیشه مستقل فلسفی و توانسته‌اند به مجموع مسائل فلسفی که از گذشته به ارث رسیده، مسئله فلسفی مستقل اضافه کنند و در تفکر فلسفی جهان سهمی بسزا داشته باشند.

كتابشناسى

- ابن خطيب، ابى العباس احمد، الوفيات، بيروت، المكتب التجارى للطباعة، ١٩٧١.
- ابن خطيب ابى العباس، احمد، الفارسيه فى مبادئ الدولة الحفصيه، بى تا، الدار التونسيه للنشر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، رحلة ابن خلدون، محمد بن تاويت الطنجى، بيروت، المؤسسة العربيه للدراسات و النشر، ٢٠٠٣.
- همو، مقدمه موسوعه ابن خلدون، بيروت، قاهره، دارالكتب المصرى - دارالكتب اللبناني، ١٩٩٩.
- ابن سبعين، عبدالحق، رسائل ابن سبعين، قاهره، دارالمصريه، بى تا.
- ابن شمعان، ابوالعباس احمد، الادله البينه النورانيه على مفاخر الدولة الحفصيه، تونس، مطبعة العرب، ١٩٣٦.
- آداس، كلود، «عرفان اندلسى و ظهور ابن عربى»، ميراث اسپانيائى مسلمان، ج ٢، ترجمه احمد رضوانى، مشهد، بنياد پژوهشهاى اسلامى، ١٣٨٠.
- ادريس الهادى روجى، الدولة الصنهاجيه، بيروت، دارالغرب الاسلامى، ١٩٩٢.
- ارسلان، شكيب، الحلل السندسيه فى الاخبار و الآثار الاندلسيه، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٩٩٧.
- ارناندس، ميگل كروس، «اندیشه اسلامى در شبه جزيره ايبيرى»، ميراث اسپانيائى مسلمان، ترجمه جواد قاسمى، مشهد، بنياد پژوهشهاى اسلامى، ١٣٨٠.
- بدوى، عبدالرحمن، تحقيق رسائل ابن سبعين، قاهره، الدارالمصريه، بى تا.
- برونشويك، روبر، تاريخ افريقيه فى العهد الحفصى، ترجمه حمادى الساحلى، بيروت، دارالغرب الاسلامى، ١٩٨٨.
- التفتازانى، ابوالوفاء، ابن سبعين و فلسفته الصوفيه، بيروت، دارالكتب اللبناني، ١٩٧٣.
- التليسى، بشير رمضان، الاتجاهات الثقافيه فى الغرب اسلامى، بيروت، دارالمدار الاسلامى، ٢٠٠٢م.
- تيجانى، ابومحمد عبدالله بن محمد بن احمد، رحله التيجانى، لبيى، تونس، الدار العربيه للكتاب، ١٩٨١.
- حجازى، عبدالرحمن عثمان، تطور الفكر الاباضى فى الشمال افريقي، بيروت، المكتبة العصريه، ٢٠٠٠.

حركات، ابراهيم، مدخل الى تاريخ العلوم بالمغرب المسلم حتى القرن التاسع، بيروت، دارالرشاد الحديثة، ١٤١٢ / ٢٠٠٠.

حُسنى عبدالوهاب، حسن، العمر، بيروت، درالغرب الاسلامى، ١٩٩٠.
حُسنى عبدالوهاب، حسن، ورقات عن الحضارة العربيه بافريقيه، تونس، مكتبة المنسار، ١٩٧٢.

حلبى، على اصغر، تاريخ علم كلام در ايران و جهان اسلام، تهران، اساطير، ١٣٧٣ ش.
حمدان، زهير، اعلام الحضاره العربيه الاسلاميه فى العلوم الاساسية و التطبيقية، دمشق، منشورات وزارة الثقافة، ١٩٦٦.

چالمرزى، آلن اف، ترجمه زيبا كلام سعيد، تهران، سمت، ١٣٧٨.
ذهبى، بى نا، العبر، كويت، بى تا.
الزىادى، محمد فتح الله، الاستشراق و اهدافه و وسائله، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٩٩٨.
الزىن، سميع عاطف، ابن سبعين الطرق الصوفيه، بيروت، الشركة العالميه للكتاب، ١٩٨٨/١٤٠٨.

السراج، محمد، الحليل السندسيه فى اخبار التونسيه، بيروت، درالغرب الاسلامى، ١٩٨٥.
سزگين، فؤاد، تاريخ التراث العربى، ٤، العقائد، قم، مكتبة آيت الله نجفى مرعشى، ١٤١٢ ق.
سالم، عبدالعزير - العبادى، احمد، تاريخ البحريه الاسلاميه فى المغرب و الاندلس، بيروت، دارالنهضة العربيه، ١٩٦٩ م.

شرف الدين، خليل، فى سبيل موسوعه فلسفيه، بيروت، دارالمكتبة الهلال، ٢٠٠٠ م/١٤٢١ ق.
شهرستانى، محمّد، كتاب الملل و النحل، قم، رضى، ١٣٦٤ ش.
صفا، ذبيح الله، تاريخ علوم عقلى در تمدن اسلامى، تهران، دانشگاه تهران، ١٣٧٤.
طباطبائى، جواد، ابن خلدون و علوم اجتماعى، تهران، طرح نو، ١٣٧٩.
العبدري، محمد بن محمد، رحله العبدري، دمشق، دار سعدالدين للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٩.

عزام، محمد، مدخل الى فلسفه العلوم، دمشق، دار طلاس للدراسات، ١٩٩٣.
عسقلانى، شهاب الدين احمد ابن حجر، الدرر الكامنه فى اعيان المائنه الثامنه، بيروت، دارالجيل، ١٩٩٣ م.

- العلمي، محمد، *المدرسة البغدادية للمذهب المالكي*، دارالبحوث للدراسات الاسلاميه، ١٤٢٤/٢٠٠٣م.
- عون، عبدالرحمان، *ابوعبدالله الأبي و كتابه الاكمال*، دارالكتب العربيه الكتاب، ١٩٨٣م.
- غيريني، احمد، *عنوان الدرليه*، بيروت، لجنة التأليف و الترجمة و النشر، ١٩٦٩.
- الفاسي، على بن ابي زرع، *الانيس المطرب بروض القرطاس في اخبار الملوك المغرب تاريخ مدينه فاس*، دار المنصور، رباط، ٩٧٢.
- كنون، عبدالله، *النوع العربي في الادب المغربي*، بيروت، مكتبة المدرسة - دارالكتب اللبناني، ١٩٦١.
- لوئيس، برنارد، *برخورد فرهنگها*، ترجمه بهمن دخت اوليسي، تهران، نشر و پژوهش فرزبان روز، ١٣٨٠.
- سينيون، لوئيس، *محاضرات في تاريخ الاصطلاحات الفلسفة العربيه*، به كوشش ابراهيم مذكور و زينب محمود الخضيرى، قاهره: المعهد العلمى الفرنسى للأثار الشرقية، ١٩٨٣م.
- محفوظ، محمد، *تراجم مؤلفين التونسيين*، بيروت، دارالغرب الاسلامي، ١٩٨٤.
- محمد بن ابي القاسم، *المونس في اخبار افريقيا و تونس*، تونس، ابن ابي دينار، المكتبة العتيقه، ١٣٨٧ق.
- مخلوف، محمد بن محمد، *شجرة النور الزكيه*، بيروت، دارالكتب العربي، ١٣٤٩.
- مذكور، ابراهيم، *في الفلسفة الاسلاميه منهج و تطبيقه*، مصر، سميركو، للطباعة و النشر، بى تا).
- المراكشى، عبدالواحد بن على، *المعجب*، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٩٩٨.
- المرزوقي، ابو يعرب، *اصلاح العقل في الفلسفه العربيه*، بيروت، مركز الدراسات للوحدة العربيه، ١٩٩٤.
- مقرى تلمساني، احمد، *نفع الطيب*، بيروت، دارصادر، ١٩٦٨م.
- المنوني، محمد، *ورقات عن حضاره المرينيين*، رباط، مطبعة النجاح، ١٩٩٦م.
- مهدي، محسن، *فلسفه تاريخ ابن خلدون*، مجيد مسعودى، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، ١٣٥٢.

- ناصر، محمد صالح، معجم اعلام الاباضیه، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۹.
- ناصر، اندیشه واقع‌گرای ابن خلدون، ترجمه رحیم‌لو، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- نصری، آلبرت، ترجمه محمد علی شیخ، برداشت و گزیده مقدمه ابن خلدون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
- نفیر، محمد، عنوان الاریب عمانشاء بالبلاد التونسیه من عالم ادیب، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۶.
- نوذری، حسینعلی، فلسفه تاریخ روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، (تهران، طرح نو، ۱۳۷۹).
- وادی آشی، محمد بن جابر، برنامه، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۸۱.
- پاک، محمدرضا، جنگ صلیبی هشتم فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام، سال ۴، ش ۱۶، قم، ۱۳۸۲.
- همو، تحولات فلسفی و کلامی دوره مرابطین، فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام، سال ۲، ش ۸، قم، ۱۳۸۰.
- همو، تحولات فلسفی و کلامی عهد موحدین، فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام، سال ۳، ش ۱۲، قم، ۱۳۸۱.
- ماجد، عبدالمنعم، العلاقات بین المشرق و المغرب فی العصور الوسطی، بیروت، مکتبه الجامعة العربیه، ۱۹۶۶.
- ولفسن، هری استرین، فلسفه علم کلام، ترجمه احمد آرام، تهران، الهدی، ۱۳۶۸.